



## غایت آفرینش انسان بر خورداری از رحمت خداست

صاحب تفسیر مشکاة گفت: هدفمندی، تعبیر درست و مناسبی برای توصیف کارهای خداوند نیست؛ اما غایت و نتیجه آفرینش انسان، بر خورداری از رحمت خداوند است.

صاحب تفسیر مشکاة گفت: هدفمندی، تعبیر درست و مناسبی برای توصیف کارهای خداوند نیست؛ اما غایت و نتیجه آفرینش انسان، بر خورداری از رحمت خداوند است.

محمدعلی انصاری، مفسر قرآن کریم و صاحب تفسیر مشکاة به گزارش ایکنای خراسان رضوی، محمدعلی انصاری، صاحب تفسیر مشکاة و مفسر قرآن، در نشست مجازی که امروز ۷ مردادماه، با موضوع «غایت خلقت انسان» برگزار شد، اظهار کرد: هدفمندی، تعبیر درست و مناسبی برای توصیف کارهای خداوند نیست، زیرا موجودی هدف دارد که چیزی را نداشته باشد و برای رفع این فقدان، هدف گذاری کند. اما از آنجا که خداوند غنی بالذات و دارنده همه کمالات است، تصور چیزی که او نداشته باشد و داشتن آن را دوست بدارد، محال است.

وی ادامه داد: در این گونه مواقع باید برای افعال خداوند و برای آفریده شدگان الهی تعبیر اعراض را به کار ببریم و بپرسیم که خداوند انسان را آفریده است تا در نهایت انسان به کجا برسد؟ غایت و نتیجه آفرینش انسان، بر خوردار شدن او از رحمت خداوند است. منشأ چنین غایتی نیاز انسان به رحمت خداست. پس در خصوص افعال الهی، آنچه اهمیت دارد نتیجه کاری است که خداوند انجام می دهد و انگیزه خداوند از انجام آن عمل محسوب نمی شود. زیرا انگیزه، انگیزاننده می خواهد و چنین فعل و انفعالاتی در ذات خداوند راه ندارد و هیچ چیزی بیرون از ذات الهی نمی تواند بر حضرت او تأثیر بگذارد.

این مفسر قرآن کریم بیان کرد: از هلاکت بارترین بزنگاه های بدبختی انسان، نداشتن رشد و جاهل بودن به آن است. یعنی اینکه انسان چرایی امروز و چگونگی فردا و هدف و نهایت خود را نشناسد، نداند خوردن و خفتن و تمتعات جنسی اش به چه منظور و برای چه غایتی است و بعد از این مدت کوتاه یا بلند از عمر، قرار است به کجا برسد و به چه چیز دست یابد. اگر انسان به غایت و هدفش این چنین جاهل باشد، به هر سو می رود جز آنجا که بایسته است و برای رسیدن به آن خلق شده است و به هرکس و ناکسی رو می کند، جز آنکه روی آوردن به او شایسته است.

انصاری افزود: جهل به این چرایی، انسان را به قهقرا می راند و زندگی اش را به عرصه تکراری «بخور، کار کن و کار کن، بخور» تبدیل می گرداند. انسان و حیوان در مسائلی چون خوردن و نوشیدن و خواب و تمتعات جنسی با هم مشترک اند و تفاوت آنان در این زمینه چرایی این مسائل است. برای حیوان چرایی این امور اهمیتی ندارد، اما برای انسان ها مهم است و اگر بدون توجه به چرایی، به دنبال ارضای نفسانیات خود باشند، پای در حیات پست حیوانی و بهیمی نهاده اند. اما اگر خوردن و خوابیدن و میل به جنس مخالف، همراه با چرایی باشد، آدمی پای در حیات انسانی گذاشته است. اگر این چرایی فراتر رفت و بیشتر برای انسان باز شد، انسان از حیات انسانی پای به سطحی فراتر یعنی حیات نورانی می گذارد.